



هم کلاسی  
[Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir)

الْقَيْنُ : كَلْبَانٌ لَهُ (آمانه) / يُعْمِدُونَ السَّيِّئَةَ : عَاذَ رَبِّي إِنَّهَا مِن دَرَجَاتِ السَّمَاءِ / وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَرِزْقَاتٍ مِّنْهُنَّ (نارسته لغت ۳) / دَهْمٌ وَالْعَوْنُ : دَرَجَاتٌ مِّنْهُ دَرُوعٌ مَّسْنَدٌ / تَشْتَعِبُ فَرْسَخٌ هَاؤُا بَعْدَ :

فَرْسَخٌ ۱. در حال وقوع کردن عاذه همانند نارست است.

فَرْسَخٌ ۲. در حال وقوع مسند نارست است.

فَرْسَخٌ ۳. رِزْقَاتٌ حُودٌ زَانِرَةٌ مَسْنَدٌ وَضَمِيرٌ بِه الزَّكَاةَ تَقُولُ تَدَهٌ مَسْنَدٌ

۲۷ - لغت ۱۰

لَمَّا : وَقْتٌ (أَنْفَاء) / دَخَلْتُ الْمَلْبِئَةَ : دَارٌ لَهَا بِنَاءٌ مُدْمٌ : الْمَلْبِئَةُ مَعْرَفَةٌ مَسْنَدٌ

تَرْجِيهِ أَنْ يَهْجُرَ كِتَابُهَا لَهَا نَارِسْتِ مَسْنَدٌ (نارسته لغت ۳ و ۴) /

طَلَابًا : (اسم نكرة) دَانِسٌ أَمْرَانِ (نارسته لغت ۲ و ۳) / يُطَالِعُونَ : (جمله

وصفیه) : مَطَالَعَةٌ مَا كَرِهَتْ (نارسته لغت ۲ و ۳) / دَرُوسٌ : دَرَسٌ هَا هَا فُورًا

بِحَدِّ : بِاجْتِدَادٍ

لَمَّا دَرَسَ : جِنَاحَةٌ جَمَلٌ وَصْفِيَةٌ مَعْنَى مَضَاعِجٌ بِسَمٍّ مِّنْ زَنْجَلٍ مَاضِيٌّ بِبَايَةٍ مَعَارِفٌ مَاضِيٌّ

مَسْنَدٌ مَعْرَفَةٌ مَاضِيٌّ تَرْجِيهِ فَوَاحِشٌ . (مَاضِيٌّ + مَضَاعِجٌ مَعْنَى مَاضِيٌّ لَتَكْرَارًا)

۲۸ - لغت ۳۰

مَنْ : كَسْبٌ لَهُ (هَرَكْسٌ) / اِبْتَقَى (مَعْنَى سَرَطٌ) : دَرُوسٌ (دَرُوسٌ) (نارسته لغت ۲ و ۳)

(او ۴) / عَنْ الْأَسْيَالِ النَّضَّاسِي : اَزْ فَوَاحِشِ هَاؤُا نَضَّاسِي / سَنَابًا : دَرُجَاتِي (

نارسته لغت ۲ و ۳ او ۴) / دَأْبَلٌ عَلَى الْعُلُومِ النَّافِقَةُ : وَبِهِ مَعْلُومٌ سَوْدٌ مَعْنَى دَرُوسٌ بِبَاوَرٍ

۲۰ - تَلْفَنُ / امید است / تَلْفِيَةٌ : طلب او / يَمْلَأُ إِيْمَانًا (مثل مجول) :  
از ایمان پر شود (نارسته نسخه ها ۲ و ۳)

۲۱ - تَلْفِيَةٌ : طهارت که (داستان کتبی) / تَدْفُلُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ : وارد زبان عربی می شود  
(نارسته نسخه ها ۱ و ۳) / مِنْ لِفَايَةِ أُخْرَى (نمره) : از زبان های دیگر (نارسته  
نسخه ها) / وَتَقْتَبِرُ : تغییر می کند (نارسته نسخه ها ۱ و ۲) / حَرَضَهَا وَأَوْزَانَهَا :  
حرف ها و اوزان آن را / وَفَقِ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ : طبق زبان عربی (نارسته نسخه ۲) /  
تَشْمِيَةٌ (مثل مجول) : نامیده می شوند (نارسته نسخه ها ۱ و ۳ و ۴) / الْفَلَاكُ  
المغربية : اطلالت مغرب

۲۲ - تَلْفِيَةٌ : ۴.  
تَلْفُونُ لِي : دارد / اللّكّاب و عقراوة اللّيب : کتاب و کتاب خوانی / دوراً مهمّ (نمره) :  
نقش مهم / فَمَا زِيدَا الْعَرَفَةَ : در زیاد شدن شناخت / وَقَوَّةُ الْعَمَلِ : وسوسه  
مهم / وَرَبَّيَا : وجه بسا (نارسته نسخه ها ۱ و ۲) / يُغَيِّرُ : تغییر دهد (نارسته  
نسخه ها ۱ و ۲) / الْمُسْلُوبُ الْحَيَاةِ : روش زندگی (نارسته نسخه ۳)

۲۳ - تَلْفِيَةٌ : ۱.  
لَا شَيْءَ (لاشئ جنبه) : هیچ چیزی نه نیست (نارسته نسخه ها ۲ و ۳) /  
أَحْسَنُ (اسم تفضیل) : بهتر / مِنْ الشُّعْرَةِ وَالرُّسُومِ وَالنَّمَائِلِ (هر سه جمع مکرر) :  
نقش ها و نقاشی ها و مجسمه ها / لِيُسَبِّحُنَا : برای آنکه ما را تسبیح کند (نارسته نسخه ها ۱ و ۲)

إلى تَسْفِ الحَضَارَاتِ العَدِيمَةِ: بِمَ تَسْفِ تَمَدُّنَهَا فَعِيمٌ ﴿٣٢﴾

ترجمه ۳۲ - ا.

لَمَّا: وَقْتَهُ (ضماناً) / وَصَلَتْ: ارسیدیم (نابسته نرسیده) / إِلَى الْمَلْجَأِ الْمُقَدَّسِ

الَّذِي: بِمَ يَبْتَغَاهُ مُقَدَّسٌ كَمَا / كَمَا نَبَغُ: قرار داشت (نابسته نرسیده ظاهر ۳۰۲) /

عُنُقِ جَبَلٍ مَرْتَعٍ: بِاللَّاهِكَةِ بَلَدِي (نابسته نرسیده ۳) / رَأَيْتُ: دیدیم (نابسته نرسیده

۴) / أَنْتَ لِأَيْبُلَ إِلَيْهِ: که فقط ... به آن می رسید (به آن نمی رسید به چیز ...)

(نابسته نرسیده ۲ و ۳) / إِيَّا مَنْ لَمْ يَعْوَذْ أَلْسُرَ: کسانی که قدرت سستی دارند

(نابسته نرسیده ۴)

نَلْتَمِسُ دَرَسًا: در جملاتی که در آن حضور است لازم است قید فقط یا تنها قبل از سستی

(ظلمه این از (۷) قرار می دهیم)

ترجمه ۳۴ - ع.

إِذَا (از ادوات شرط): همراه / تَوَقَّعْتُ: انتظار داشتم / التَّجَاجُ: سوفقتیب /

فَلَاتِيَأْسُزْ مَا يَأْسُ مَسُو / مِنَ الْمُحْضُولِ عَلَيْهِ: از به دست آوردن آن

(مقل نه، جواب شرط)

تشریح نرسیده ها در زیر:

ترجمه ۳۱ - ا. خود را ... بشمار، فواهد آورد، نابسته است. و فعل يُعَدُّ مفعول محمول است

ترجمه صبیح آن از نیکوکاران شمرده می شود است.

ترجمه ۳۲ - ا. مظلومانان جهان نابسته است. ترجمه صبیح: مظلومانان در جهان همه نیستند

لذا زیر بار ستم زنده می مانند.

ترجمه ۳۳ - ا. صبر هم در حیاتم ترجمه شده است، هم صبرین. لائتم به معنی چونم آنها صبیح ا



توجه! حقاً زرافه حیوانی با فکری دراز و قدیم‌ها این بلند است و اگر بلندترین حیوانند عالم است، فکری  
آن بوی در درونش جا بسته است که برین جهت می‌تواند در مناطق خشک زندگی کند. اما در آن آب و گیاه  
از آن بسیار باخبر است و از ترف‌ها و جدید و فکری تقدیر می‌کند و کیفیت جستن در فکری آن به او  
گفت می‌کند!

زرافه به ناچار باید بین دو پای جلویی فاصله بیاندازد تا در حالتی بسطی آنها برسد و به وضع اولش برنگردد  
تغیر می‌سختی، از آنچه در بعضی شکارگران می‌آید در حالتی است که او در آن حالت است!  
سرعت زرافه بر اثر حرکت و فکری بسیار بیشتر از حیوانی است که برین نقش‌ها بر است  
که باید در محض شدن بوی در فکری گشت می‌کند. زرافه در درونش متحرک بر آن نشین جهت  
دارد!

۳۶ - تزیین ۳۰

زرافه قوت این بسیار بر تخی گشته دارد ...

با ترجمه آنچه در متن آمده است چگونه آن بوی در تری گشته است را بسیار بر طرف  
تشریح تزیین‌ها در زیر:

- تزیین ۱ - وی او هنگامی که به آب می‌رسد از آن زیاد نمی‌نوشد (با ترجمه به سوره ناس است)
- تزیین ۲ - چگونه در تری‌ها تازه (جدید) آب بسیار است و او فقط از آن‌ها تغذیه می‌کند  
(در متن اشاره می‌کند که ~~حیوانی که در آنجا زندگی می‌کند~~ فقط از تری‌ها، جدید تغذیه می‌کند تزیین ۱۵)
- تزیین ۳ - او نمی‌تواند در مناطق خشک دراز رود خانه‌ها زندگی کند (با ترجمه به سوره ناس است)

۳۷ - تزیین ۴۰ - سؤال نامست است در استقامت و پیچ و خم (در هم)

با هاله زرافه بلند است و این ... (سؤال تزیین نامست را می‌فرازد)

باعث مشکل در نشین آن بر این نمی‌شود چگونه بین دو پای جلویی فاصله می‌اندازد

که با تجربه به آن وجه درفته آمده است که طاعت است زیرا او به سستی به حالت شکر بجا آورد  
تشریح فرست ها را بنویس

- ۱. فرست ۱- و این مانع بران قرار می از دشمنان با وجود اینکه بر متن بسیار زیاد است
  - ۲. فرست ۲- و این وسیله بر اساسی بران آسان کردن فرار می و در متن از دشمنان است
  - ۳. فرست ۳- و این سبب شمارد که به آسانی می به خواسته آن برسد و ماعلا سیر شود
- (به نظرم سؤال نامست است و ما جای عین الخطأ باید عین الصیغ باشد و فرست ۳-  
تصفا فرست صیغ ها باشد)

۳۸ - فرست ۱-  
زرافه ها کلانترین ها را جدید و قدیم کند زیرا ... (نام مستعار) <sup>مفاده</sup>

توسعه خوشتره است و حیوانات قوی او را شکار می کند (در متن اشاره کردیم به طعم  
فرست زرافه نشده است)  
تشریح فرست ها را بنویس:

- ۱. فرست ۱- زیرا او کردن بلند دارد و به وسیله آن سرش را بین شاخه ها دراز می کند و
- ۲. فرست ۲- زیرا دست ها را باها میس به او در آبی کار می فریبی کند می گویند
- ۳. فرست ۳- زیرا بدنش بلندتر از حیوانات است که در قبیل زندگی می گویند

۳۹ - فرست ۳-

سؤال دست را درباره زرافه ها مفاده

با تجربه به آنچه در متن آمده است مشابه ترین زمان ها براس شکار زرافه زمان است که  
او آب می نوشد

۱. لغت هاى تيز و قويا هستند چونکه ممتزجند. (در متن اشاره اين به تيز بودن لغت هاى زرافه شده است)
۲. در بعضى آسانى آب ممتزج زير اثران بلندى دارد. (با توجه به متن نادرست است)
۳. لغت هاى تيز که ممتزج است با در محققان به از دشمنان گند مکتبه. (در متن اشاره به محققان در دشمنان شده است)

۱. لغت هاى تيز ۲. تساعده فعل خارج ، للنايبة ، اتمه غير از باب مفاعله معلوم است

۱. لغت هاى تيز ۲. تساعده فعل خارج ، للنايبة ، اتمه غير از باب مفاعله معلوم است

۱. لغت هاى تيز ۲. تساعده فعل خارج ، للنايبة ، اتمه غير از باب مفاعله معلوم است

۱. لغت هاى تيز ۲. تساعده فعل خارج ، للنايبة ، اتمه غير از باب مفاعله معلوم است

۱. لغت هاى تيز ۲. تساعده فعل خارج ، للنايبة ، اتمه غير از باب مفاعله معلوم است

۱. لغت هاى تيز ۲. تساعده فعل خارج ، للنايبة ، اتمه غير از باب مفاعله معلوم است

العالم : اسم مفرد مذکر ، معروضه ال ، ~~مفرد~~ و مجرد به حرف جر است

- تشريح لغت هاى شعر :
۱. اسم فاعل نادرست است.
  ۲. خبر بران مبتدا ، حيوان ، نادرست است
  ۳. اسم فاعل نادرست است



۴۳ - تزیین ۲.

سؤال تزیین نام است و نه ضبط حرکات کلمات می فرماید.

تزیین ۲. سُشِمِعْ فعل مضارع از باب انتقال است و شکل صحیح آن

سُشِمِعَ است، هم چنین الاستحسان مصدر باب انتقال است و شکل صحیح آن الاستحسان است.

۴۴ - تزیین ۳

سؤال سُشِمِعَ متضاد می فرماید.

تزیین او را که بدان

در این عبارت بین بדיاه (آغاز) و نهایه (پایان) تضاد وجود دارد.

۴۵ - تزیین ۴.

سؤال تزیین او را می فرماید که بدان جمع مؤنث عالم با طرقت با است.

تزیین ۴. - الإدارات جمع مؤنث عالم در فردش الإدارة است.

تشریح تزیین ها به این ترتیب:

تزیین ۱. - الأصوات جمع مکرر بصوت است.

تزیین ۲. - أوقات جمع مکرر وقت است.

تزیین ۳. - الأبیان جمع مکرر «بیت» است.

۴۶ - تزیین ۱.

کلمه خیر، امر به معنی بهتر یا بهترین است اسم تفضیل است.

تزیین ۱. - الحیدر به معنی خوب است و اسم تفضیل نیست (خوبترین درجه خیر است که

اتفاق افتاد)

قریش ۲۔ بہترین مردم کسی اسکے کہ خواہی را بہ کار خیر بجاورین کنہ (عبر اول اسم تعصیل اسکے)

قریش ۳۔ بہترین کارها میانہ ترین آن فالکے۔ (خیر اسم تعصیل اسکے)

قریش ۴۔ درست دارم کہ بہ انجام بہترین کارها نہ رندی پیردازم۔ (خیر اسم تعصیل اسکے)

۴۷ - قریش ۱۔

سوال قریشی اس را می فرادہ کہ نون وقایہ در آن نیامده باشم

در قریش ۱۰۔ اُحْصِیْ فَعَلَ امر از باب افعال و برای مقرر مؤنثہ تکلمت اسکے در حرف نون۔ جزو حرف اصل فعل (حسن) اسکے

تکلمت درسی: نون وقایہ بین فعل و ضمیر ی۔ متکلم و صدمہ بہ کار می رود

۴۸ - قریش ۳۔

در قریش ۳۔ بین نُجِبَ و تَبَجَّی از نظر ساختار تناسب وجود ندارد ہم چینی حرف اُنْ فعل مضارع و منصوب مکنه در صیغ آن اُنْ تَسْوَلُ است

۴۹ - قریش ۲۔

سوال قریشی اس را می فرادہ کہ جملہ وصفیہ در آن باشد

در این عبارت بناؤ مقدس اسم نکره است و جملہ فعلیہ بناؤ... جملہ وصفیہ است

(کعبه شریف بنای مقدس اسکے کہ ابراهیم رعی آن را ساخت)

تشریح قریشی ہاں تیر:

قریش ۱۔ حامداً معرفہ علم اسکے

قریش ۳۔ حافظہ و عارفاً هر دو علم حکمہ

قریش ۴۔ صادق و مقرباً هر دو علم حکمہ

صورت سوال تفسیر آن را ملاحظه فرمائید که درست را بدقت که تألیف شده است  
داخل پراگمرا تفسیر کرده است -

- در این عبارت اِنَّ از حروف مشبوه به فعل است و الله را تألیف کرده است .  
تشریح تفسیر طارقی :
- تفسیر ۱. حایة مفرد مطلق تألیف است به فعل اِحْمَدِ را تألیف کرده است .  
تفسیر ۲. تَعْدِیٌّ ~ ~ ~ و فعل حَذَرْتُ را بدقت .  
تفسیر ۳. اِنَّ از حروف مشبوه به فعل است و اِلْعَلَّم را تألیف کرده است .